

آموزش با سریال *how I met your mother*

جلسه هفدهم - مدرس: علیرضا صادقیان



There's an apartment **in particular**

یک آپارتمان خیلی خاص وجود داره

In particular = especially

به مثال های زیر دقت کنید:

What **in particular** did you like about the last apartment that we saw?

Are you looking for anything **in particular**?

Right down to the incredibly tacky swords we hung on the wall

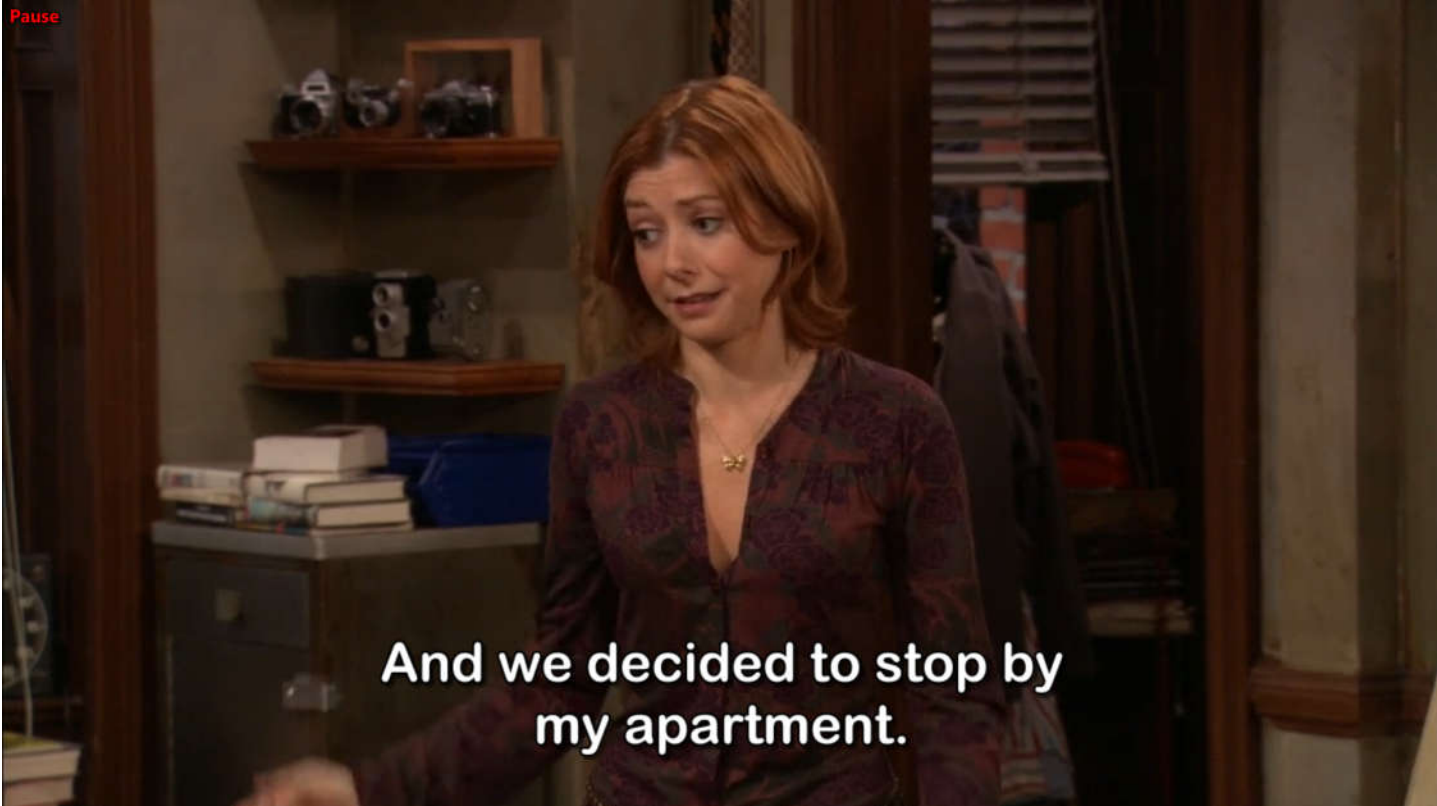
تا اون شمشیرهای خیلی ارزونی که به دیوار آویزون کرده بودیم.

I never wanted any of it to change

دلم نمیخواست هیچ کدام از اینا تغییر کنه

But that's not how life works

اما زندگی اینجور نیست



We decided to **stop by** my apartment

تصمیم گرفتیم که به سری به آپارتمان من بزنیم

در اینجا فعل stop by رو داریم. به معنی سر زدن. ملاقات کوتاه. معنای انگلیسی این کلمه:

Stop by: to go into a place for a short time when you are going somewhere else

خب لیلی و رابین وارد آپارتمان قبلی لیلی میشن که الان تبدیل شده به رستوران چینی. لیل میگه:

I spilled nail polish there, there's the stain.

اینجا لاک ناخن ریخته بودم. اینم لکه اش

فعل spill به معنی ریختن مایعات هست. به مثال دیگه:

You'll spill that tea if you're not careful

اگه حواستو جمع نکنی چای رو میریزی

یه ضرب المثل خیلی معروف هم هست که میگه:

Don't cry over spilled milk

یعنی آب رفته به جوی باز نمیگرده

کلمه stain به معنی لکه ای هست که به راحتی هم پاک نمیشه.

There were mud stains on my shoes



You're much prettier **in person**

خودت از عکست قشنگ تری.

I know the bangs were a mistake

آره موی چتری کار اشتباهی بود.

Where's my **stuff**?

وسایلم کجاست؟

کلمه stuff به معنی چیزها و وسایل هست. این کلمه غیرقابل شمارشه و نمیتونه جمع بسته بشه. به مثال های زیر دقت کنید:

I have to go now - I've got **stuff** to do.

باید برم. کارهایی دارم که باید انجام بدم.

There's sticky **stuff** all over the chair.

یه چیز چسبناک روی کل صندلیه.

He leaves all the difficult **stuff** for me to do and it really annoys me.

او همه کارهای مشکل رو واسه من گذاشت و این واقعا منو عصبی میکنه



You're making this up

داری از خودت در میاری

عبارت **make something up** به معنی داستان درآوردن. از خودت داستان در بیاری.

There was no fire - he **made it all up**.

آتش سوزی در کار نبود. همشو از خودش درآورد.

She told us stories about her family, but they were **all made up**.

بهم به داستان هایی در مورد خانواده اش گفت اما همشو از خودش درآورده بود.

خب مارشال که میخواد از لیلی طرفداری کنه میگه:

Still legally they can't toss you out on the street, you have a lease.

باز هم قانونا نمیتونن شما رو پرت کنن تو خیابون. اجاره نامه دارید.

Toss something out: to get rid of or remove something

از دست چیزی خلاص شدن. چیزی رو به بیرون انداختن

She **tossed out** my old chair.

از شر صندلی قدیمی من راحت شد.



You blew it dude

گند زدی داداش

You blew it: Used to tell someone that you made a big mistake

They're edging you out

اونها تورو از خونه میندازن بیرون

یه جمله قشنگ رو بارنی استفاده میکنه

Just keep your eyes open, that's all I'm saying

فقط دارم میگم چشمانو باز کن (حواستو جمع کن)

Come on Barney you're just being paranoid

بارنی بیخیال. خیلی بدبین هستی

کلمه paranoid به معنی بدبین، شکاک. مثال:

My father is **paranoid** about being robbed.

پدرم همیشه نسبت به اینکه ازش دزدی بشه بدبینه.



It's **bumming me out**

این منو ناراحت میکنه
و بعد بارنی به تد میگه که از اورژانس بهم زنگ بزن

He's going to **pretend** it's an emergency call

میخواد وانمود کنه که یه تماس اضطراریه
کلمه **pretend** به معنی وانمود کردن.
و بعد رابین میگه:

Fake emergency? That's the **lamest** most **pathetic cop-out**

اورژانس الکی؟ این مسخره ترین و اسفناک ترین روش برای شونه خالی کردنه

Lame: weak and not deserving to be believed.

کلمه lame به معنی شل هم هست. مثال:

My left leg is **lame**

پای چپم شله.